

از بعثت تا وفات پیامبر (ص) در تاریخ طبری



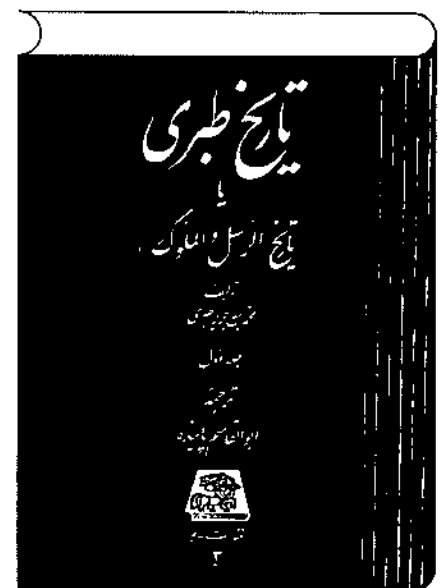
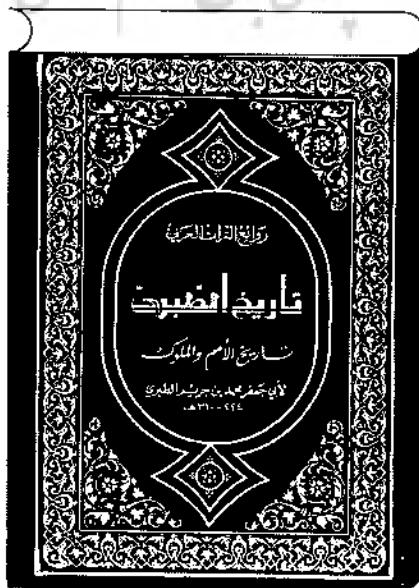
● علی ناظمیان فرد

ابوجعفر محمد بن جریر طبری یکی از اختران فروزان آسمان فرهنگ و تمدن اسلامی است که در ورای قرون و اعصار همچنان درخشندگی خود را حفظ نموده است. او در سال ۲۲۵ ق. در امل مازندران (=طبرستان) دیده به جهان گشود. در ایام کودکی آثار نبوغ در او مشاهده می‌شد. آنچنان که در سن هفت سالگی حافظ قرآن شد و در هشت سالگی برای مردم نماز می‌گزارد و از نه سالگی به کتابت حدیث پرداخت.^۱ طبری مقدمات دانش آموزی را در زادگاهش آغاز کرد و سپس در ری به ادامه تحصیلات علمی خویش پرداخت و از محضر استادان آنجا بهره‌های علمی فراوانی برد. شهر ری در این زمان محل آمد و رفت دانشمندان و دانش پژوهان بود. استادان معروفی که طبری نزد آنها تلمذ نمود یکی محمد بن حمید رازی و دیگری مثنی بن ابراهیم ابلی بود که طبری بیشتر دانش و آگاهی خویش را از این دو تن فرا گرفت و بالغ بر یکصد هزار حدیث از ابن حمید آموخت.^۲ انتشار آوازه احمد بن حنبل در مراکز علمی آن روزگار، طبری را به شوق درک محضر او به بغداد کشانید اما مرگ احمد بن حنبل اندکی قبل از ورود طبری به بغداد او را از رسیدن به آرزویش محروم ساخت. با این حال شوق فراگیری دانش کمند گردنش شد و او را به واسط، بصره، بغداد و مصر کشانید. پس از توقف بلندش در مصر یار دیگر به بغداد بازگشت و این شهر را به منزله آخرین اقامتگاه خویش برگزید. دستاورد آن سفرهای دور و دراز خرمی از معرفت بود که خود حاصل خوشه چینی از خرمین اربابان معرفت می‌نمود. مع الوصف او بقیه عمر خویش را در بغداد به تدریس و تألیف گذراند و جز دو نوبت که به زاد بوم خود سفر کرد پای از آن شهر بیرون نهاد تا اینکه در شامگاه ۲۸ شوال سال ۳۱۰ ق. در سن ۸۸ سالگی چراغ عمرش به خاموشی گرایید و به دیار باقی شتافت.^۳

طبری با جدیتی که در حیات علمی خویش از خود نشان داد توانست آثار ارزشمندی را به یادگار گذارد:

- ۱- آداب المناسک، اثری است برای کسانی که آهنگ حج دارند.
- ۲- کتاب التوقف، اثری است فقهی که برای المکتفی نوشتن و موارد اتفاق فقها را در احکام شرع فراهم آورده است.
- ۳- جامع البیان عن تاویل آی القرآن که بزرگ‌ترین تفسیرهای قرآن در تاریخ فرهنگ اسلامی است.
- ۴- تاریخ الرسل والملوک که بزرگ‌ترین اثر تاریخی روزگار طبری است که سرمشق و مورد استفاده معاصران و پسیینیان او واقع شده است.

واقعیت آن است که تا پیش از ظهور اسلام آنچه از نوع تاریخ در میان اعراب رواج داشت انساب قبایل، «ایام» و حروب بود که با شعر و قصه آمیخته بود. ورای آنها آنچه از اخبار راجع به انبیاء یهود، یا شاهان بابل و



مصر و شام به گوششان می‌خورد نزد آنها به اساطیر تلقی می‌شد. با این همه نسبت به اخبار خاصه آنچه مربوط به احوال سواران، دلاوران، شاعران و خطیبان بود غالباً اظهار علاقه می‌کردند و نقل اینگونه اخبار که رنگ قصه و شعر داشت نزد آنها شورانگیز و جالب بود.^۴ با ظهور اسلام آنچه باعث پیدایش و تکوین تاریخنگاری اسلامی شد یکی روح تاریخی اسلام و دو دیگر نیازهای فکری و فرهنگی مسلمین بود.^۵ روح تاریخی اسلام را می‌توان در جای جای یگانه کتاب مقدس این دین سراغ گرفت. اهتمام قرآن به تاریخ و حضور صحنه‌های متعدد تاریخی در سوره‌های آن نشان از ارزش و منزلت این دانش در چشم شریعت اسلام است. قرآن به خاطر هدفهای تربیتی خود همواره از سرگذشت انبیاء و اقوام پیشین سودجسته و مردم را به پندآموزی و عبرت‌اندوزی از تاریخ گذشتگان دعوت کرده است. این امر در برانگیختن مسلمین به مطالعات تاریخی تأثیر بسزایی داشته است. از سوی دیگر با از میان رفتن تدریجی یاران پیامبر اسلام که در حوادث و رویدادهای دوران حیات او شاهد و ناظر وقایع بودند و نیز برانگیخته شدن حس کنجکاوی نومسلمانان غیر عرب و بلاد مفتوحه نسبت به دین جدید و بنیانگذار آن و اشتیاق مردم شهرهای بزرگ اسلامی نظیر کوفه، بصره، دمشق، ری و... که می‌خواستند از وقایع عصر رسول (ص) مطلع شوند احساس نیاز به تدوین سیره رسول الله را بیشتر و بیشتر می‌کرد. در این میان عده معدودی از اصحاب که در قید حیات بودند مرجع مهم و سند دست اول برای این معنا بودند و تابعین نیز که با آنها محشور بودند و از ایشان روایت می‌کردند به تدریج از چنین وضعیتی برخوردار شدند. این تابعین مخصوصاً آنهايي که در مدینه از اولاد پیامبر و از فرزندان مهاجران و نزدیکترین یاران پیامبر بودند بیشتر محل مراجعه بودند؛ به ویژه اگر خود نیز شوقی به اطلاع از سوانح زندگی پیامبر اسلام داشتند. از میان این اشخاص نام دو تن در کتب سیره و حدیث از اهمیت بیشتری برخوردار است: **ایمان بن عثمان (متوفی ۸۱ یا ۱۰۵ هـ)** و **ابو عبدالله عروة بن زبیر بن عوام (متوفی به سال ۹۱ هـ)** اما ظاهراً به جهت پاره‌ای از عوامل سیاسی کار تدوین و تألیف سیره رسول الله در عهد اموی به کندی پیش رفت. شاید این امر ناشی از آن بود که بیشتر اعضای خاندان اموی در آغاز دعوت اسلامی از مخالفان سرسخت پیامبر بودند و ابوسفیان - رئیس این خاندان - در رأس مخالفان آن حضرت جای داشت و جنگ‌های کفار قریش را علیه مسلمین از سوی او رهبری می‌شد و تنها در سال هشتم هجری در پی فتح مکه بود که او و پسرانش به همراه جمعی دیگر از خاندان اموی پذیرای

اسلام شدند. از این رو تألیف تاریخ اسلام و سیره رسول (ص) که در آن دشمن اصلی اسلام خاندان اموی بودند نمی‌توانست چندان خوشایند این طایفه باشد مگر آنکه مطالب بسیاری به نفع آنها تغییر و تحریف می‌یافت. همچنین انصار مدینه که در غزوات پیامبر ضربه‌های سنگینی را بر پیکر مکیان و قریشیان - خاصه امویان - وارد آورده بودند طبیعی می‌نمود که در سیره رسول الله از آنها به نیکی یاد شود که این هم نمی‌توانست موجب ناخشنودی بنی امیه نگردد. از سوی دیگر خاندان بنی‌هاشم و از جمله علی بن ابیطالب (ع) تعدادی از سرشناسان اموی را در بدر به قتل رسانده بودند و معاویه بزرگ‌ترین مدعی خلافت علی (ع) هم از خاندان اموی بود. لذا امویان و هواداران سرسخت آنها بالطبع از تدوین و تألیف وقایعی که در آن دشمنان از طرفداران جدی اسلام و اجدادشان از دشمنان اصلی آن دین قلمداد می‌شدند نمی‌توانستند رضایت داشته باشند. با این همه شور و علاقه دینی مردم غالب آمد و امویان نتوانستند از آن جلوگیری نمایند و بزرگان و علمایی نظیر ابن شهاب زهري، محمد بن اسحاق و ابو معشر سندی به تدوین و تألیف سیره حضرت رسول پرداختند که مهمترین و جامع‌ترین آنها سیره ابن اسحاق است که با تخلص ابو محمد عبدالملک بن هشام (متوفی ۲۱۳ یا ۲۱۸ ق.) به دست ما رسیده است و قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب در باب سیره رسول الله می‌باشد.^۶ اصولاً می‌توان گفت که تاریخنگاری نزد مسلمانان ابتدا خود را در شکل سیره نویسی، مغازی، فتوح‌نگاری و طبقات نویسی به ظهور رسانید تا اینکه در قرن سوم هجری نگارش تاریخ عمومی رواج یافت. نخستین کسی که در تاریخ عمومی اقدام به تألیف کتاب نمود ابن واضح یعقوبی بود و پس از آن «تاریخ الرسول والملوک» توسط محمد بن جریر طبری مورخ، محدث، فقیه و مفسر بزرگ ایرانی تألیف یافت. این کتاب مهمترین تاریخنامه روایی و سال‌شمارانه اسلامی مشتمل بر تاریخ جهان و اسلام تا آغاز قرن چهارم هجری است. تاریخ طبری با ذکر حدوث زمان، آغاز خلقت، هبوط آدم و داستان هابیل و قابیل شروع شده و پس از آن ذکر پیامبران پیشین رویدادهای عصر ایشان و احوال و اخبار فرمانروایان و دولت‌های بزرگ - خاصه ایرانیان - آمده است. اخبار عرب پیش از اسلام و روابط دولت لخمیان با ساسانیان و اوضاع عربستان پیش از اسلام از بخش‌های مهم این کتاب است. دوره اسلامی تاریخ طبری تا سال ۳۰۲ ق. ادامه می‌یابد. این کتاب در واقع ترکیبی است از تاریخ وقایع، تراجم احوال، حدیث، تفسیر، لغت، ادب، سیره، مغازی و فتوح که به شکل روایی با سلسله اسناد آن ذکر شده است. آنچه در این

شیوه از تاریخنگاری (ذکر سلسله اسناد بدون نقد و نظر) به چشم می‌خورد بیشتر نشان از «احراز حقیقت به اتکای مرجعیت» از سوی طبری است. بدین معنی که سخنی را نه به اعتبار فحوا و دلایل آن بلکه به اعتبار راوی آن ثبت و ضبط کرده است. امروزه در تاریخنگاری و تاریخ پژوهی نوین تأکید می‌رود که هرگونه ادعایی نخست باید آزموده شود و ادله آن مستقل از گوینده یا راوی‌اش بررسی گردد و در صورت صحت پذیرفته شود. تاریخ طبری در عصر سامانیان به دستور منصور بن نوح سامانی و به توسط ابو علی بلعمی با حذف روایت‌های مکرر و سلسله اسناد و افزودن پاره‌ای مطالب و بعضی تصرفات به فارسی ترجمه شد. چاپ متن کامل عربی تاریخ طبری میان سال‌های ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۱ میلادی توسط گروهی از اسلام‌شناسان زیر نظر دخویه در سه بخش و پانزده جلد در لیدن به انجام رسید. آخرین چاپ تحقیقی این کتاب توسط محمد ابوالفضل ابراهیم در سال ۱۹۶۷ میلادی در بیروت انتشار یافت. متن کامل تاریخ طبری به کوشش ابوالقاسم پاینده به فارسی ترجمه و در سال ۱۳۵۲ شمسی در تهران منتشر شد.

سراغاز بعثت پیامبر در تاریخ طبری با بحث پیرامون روز و ماه بعثت پیامبر شروع می‌شود. طبری رخدادهای زندگی پیامبر را تا پیش از هجرت به صورت «موضوعات» آورده است که در آنها «عنصر زمانی» و «استمرار تاریخی» ملحوظ نیست و تقدم و تأخر حوادث به حسب اهمیتی که رویدادها نزد وی داشته‌اند در تاریخ او جای گرفته‌اند.

طبری کوشیده است تا در این بخش علاوه بر ذکر زمان و مکان بعثت پیامبر، از کیفیت نزول وحی و نخستین مواجهه پیامبر با جبرئیل، نخستین آیات نازل شده، چگونگی احوال روحی پیامبر، برخورد خانواده او با این حادثه، اولین کسانی که به حضرتش ایمان آوردند، دعوت نهان و آشکار، واکنش مشرکان و موانع اجتماعی در راه ابلاغ پیام حق، محاصره اقتصادی او و یارانش، هجرت برخی از یاران آن حضرت به حبشه و... سخن بگوید. او این کار را از طریق نقل روایات مختلف به انجام می‌رساند. این شیوه که در واقع از اهل حدیث اخذ و تقلید شده است، تاریخ را نزد طبری سلسله‌ای از روایات کرده است که مورخ، هر روایت را از یک راوی نقل می‌کند و او نیز از یک یا چند راوی دیگر تا برسد به کسی که شاهد واقعه بوده است یا آنکه واقعه در ایام وی رخ داده باشد. ذکر این اسانید هر چند به منزله ذکر مأخذ است تا مورخ را از وقوع خطای در مسئولیت باز دارد اما عیب عمده این روش آن است که به سبب اختلاطها و احیاناً تناقضاتی که در روایات ممکن است روی داده باشد، ایجاد یک سلسله منظم از حوادث و بررسی علت

و معلول را در سلسله حوادث دشوار می سازد و مورخ را از قضاوت در اسباب و نتایج باز می دارد.^۷

دوره دوم حیات پیامبر در تاریخ طبری از هجرت آن حضرت و یارانش به مدینه آغاز می شود. افزایش فشار مشرکان و اخلاقی که در جریان گروش به اسلام ایجاد می کردند پیامبر را به این فکر انداخت تا مرکز دیگری را جهت پی ریزی حکومت اسلامی جست و جو کنند تا از این رهگذر هم مسلمانان از رنج و ایداء مشرکان فارغ شوند و هم پایگاهی استوار برای نشر دعوت اسلامی در شبه جزیره ایجاد نمایند لذا فشار مبدأ، جاذبه مقصد و فرصت مناسب به عنوان مؤلفه های اساسی مهاجرت، پدیده تاریخی هجرت به یثرب را آفریدند. طبری حوادث این بخش را به شیوه «حوایات» تنظیم نموده است و این روشی است که او از ابتدای هجرت تا پایان تاریخ خویش پیموده است. در این روش مورخ می گوشت تا رویدادها را بر اساس تسلسل سنوات پی گیری نماید. اینکه آیا طبری در این روش پیشگام بوده است یا خیر نظراتی ارائه شده است. چنین می نماید که این شیوه ابتکار شخصی او نیست و پیش از او هم بن عدی کتابی در تاریخ بر اساس حویات (= سالشمارانه) به نام «کتاب التاریخ علی السنین» نوشته است.^۸ اما شیوه او سرمشق کار کسانی نظیر ابن سکویه، ابن اثیر، ابن طفطی و... که بعدها بر این نهج گام نهادند و آنرا به عنوان یک روش تاریخی نگاری برگزیدند واقع شد.

موارد عمده ای که او در ذکر حوادث سال یکم هجری بیان می دارد مباحثی پیرامون نخستین خطبه پیامبر (ص) در محل بنی سالم بن عوف، چگونگی ورود آن حضرت به یثرب و نحوه استقبال مردم شهر از او، ساخت مسجد، ازدواج او با عایشه، اعزام حمزه و سی تن از مهاجران جهت تهدید کاروان قریش و ... تشکیل می دهد.

طبری در بیان حوادث سال دوم هجری به بعد گذشته از ذکر تغییر قبله، بیشتر اهتمام خود را در باب سیاست نظامی پیامبر (ص) و کشمکش دو پایگاه مکه و مدینه و نیز اصطکاک میان مسلمانان و یهودیان مدینه مصروف می دارد. در خلال این سالها او غزوات پیامبر (ص) را یکی پس از دیگری ذکر می نماید و حفر خندق پیرامون مدینه را در جنگ احزاب به پیشنهاد سلمان فارسی می داند و مژده پیامبر را مبنی بر پیروزی نهایی مسلمانان بر اکاسره و قیصره به هنگام حفر خندق بیان می نماید. در کنار این موارد او گوشه چشمی به حوادثی نظیر فاجعه رجیع و بئر معونه دارد که تعدادی از مصلحان قرآن در پی خدعه و خیانت بادیه نشینان عرب به شهادت رسیدند.

طبری ضمن حوادث سال ششم هجری پس از بیان ماجرای صلح حدیبیه به بحث پیرامون «استراتژی دعوت» از سوی پیامبر اسلام می پردازد. پیامبر در راستای اعلام رسالت جهانی خویش، نامه هایی به

سران کشورهای روم، مصر، حبشه و ایران نوشت. در نامه ای که به خسرو پرویز - شاهنشاه ایران - ارسال داشت او رایبه توحید فراخواند و از وی خواست تا اسلام را بپذیرد تا گناه مجوسان برگردنش نباشد.^۹ در استراتژی دعوت تکیه اساسی او بر توحید بود و در استراتژی جهاد نیز همین هدف را منظور داشت زیرا جهاد برای دفاع از توحید به عنوان حق خداوند بر بندگانش وضع شده است.

در میان رویدادهای سال هشتم هجری پس از اشارتی که به غزوه «موته» می کند توجه خود را بیشتر به فتح مکه معطوف می دارد که به دنبال نقض معاهده صلح حدیبیه از سوی مشرکان حادث شد. با فتح مکه زدودن کعبه از وجود اصنام، بزرگترین پایگاه دشمنان اسلام درهم فرو ریخت و در پی آن فتح کامل جزیره العرب شتاب بیشتری گرفت. سال نهم هجرت به جهت پیوستن افواج قبایل مختلف عرب به اسلام به «عام الوفود» شهرت یافت و با نشر اسلام در سراسر جزیره العرب، این مرکز پایگاهی برای نشر دعوت اسلامی در خارج از شبه جزیره گردید. غزوه «تبوک» که در سال نهم هجری رویداد، واپسین غزوه سالهای پایانی حیات پیامبر اسلام است که طبری آنرا ثبت و ضبط نموده است. در میان موضوعات پراکنده سال دهم هجری نظیر: زنان و دبیران پیامبر، غلامات آزاد شده او، وسایل و ادوات جنگی وی، دعوی ثبوت از سوی میله کذاب و نامه او به پیامبر که طبری بدانها اشاره کرده است، حجةالوداع یا حوادث سنوات پیشین پیوستگی بیشتری دارد که طبری تنها به ذکر مختصری از آن بسنده کرده و کمترین اشاردهای به ماجرای غدیر خم نکرده است. آخرین موردی که او در این سال به آن پرداخته است بیماری پیامبر می باشد که ادامه این احوال و رحلت آن بزرگوار را در سال یازدهم ذکر می کند. طبری در سیره نویسی به تألیفات ابان بن عثمان، عروة بن زبیر، شرحیل بن سعد، موسی بن عقبه، عاصم بن عمرو، ابن شهاب زهری و ابن اسحاق تکیه داشته است. آنچه آنکه در تاریخ عرب پیش از اسلام نیز از آنچه عیید بن ثریه، محمد بن کعب قرظی، وهب بن منبه و به ویژه هشام کلی و ابن اسحاق نگاه داشته اند سود برده است.^{۱۰} شیوه ای که طبری در تاریخ نگاری در پیش گرفت (عدم دخالت عقل در حیطه نقل) برای نخستین بار از سوی معتزله مورد تردید قرار گرفت. آنها پیوسته لزوم درک عقلانی و پی جویی علل اشیاء را تأکید می کردند و از پذیرفتن اخباری که یگانه حجت برای صحت آنها زنجیره راویانی بود که نامشان پیش از هر خبر ذکر می شد خودداری می کردند. آنها معتقد بودند که یقین باید مبتنی بر دلایل عقلی باشد نه روایت محض. وقتی این حکم شامل تاریخ می شد معنایش این بود که آنچه بالذات معقول است پذیرفته می شود و آنچه اینگونه نیست رد می گردد.^{۱۱}

مواردی نظیر اجتناب او از نقد تاریخی و تکیه بی اندازه اش به راویان روایت و نیز نقل اوهام و خرافه خاصه در امور خلقت و داستان پیامبران پیش از اسلام می تواند از ارزش کار سترگ او بکاهد. در حقیقت بیشتر آنچه او به نام تاریخ نگاشته است مواد تاریخی است نه خود تاریخ که می بایست و می توان با این مواد، تاریخ را نوشت.

با اینکه او در عصر خویش شهرت تاریخ نگاری اش تحت الشماع عناوین علمی و فقهی اش قرار داشت^{۱۲} اما توانست مهمترین و مشهورترین مجموعه مفصل تاریخ عمومی اسلام را به فرهنگ بشری تقدیم نماید و آنرا به عنوان یکی از معتبرترین مراجع تاریخ اسلام تا عصر خویش عرضه بدارد. کتاب او در قرون بعد، مأخذ عمده تمام کسانی واقع شد که بعد از وی به تألیف تاریخ اسلام اهتمام ورزیدند. زیرا بعد از او همه کسانی که به تألیف کتاب در تاریخ پرداخته اند یا روایات او را اخذ و اقتباس نموده اند و یا از جایی که او قلم فروهسته است سخن آغاز کرده اند.

پانوشتها و مأخذ:

- ۱- حجتی، محمدباقر: «مدخلی بر احوال و آثار طبری» در یادنامه طبری، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۹، ص ۳۱، به نقل از معجم الادباج ۴۹/۱۸.
- ۲- شهابی، علی اکبر: احوال و آثار طبری، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۹، ص ۱۱.
- ۳- حجتی، محمد باقر: پیشین، به نقل از تاریخ بغداد ج ۱۶۶/۲.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین: کفرنامه اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۸۴.
- ۵- آئینه وند، صادق: تاریخ سیاسی اسلام، تهران، نشر رجا، ۱۳۷۱، ص ۱۸.
- ۶- زریاب، عباس: سیره رسول الله، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۰، ص ۱۴ تا ۱۸.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین: پیشین، ص ۸۷ تا ۸۸.
- ۸- آئینه وند، صادق: پژوهشهایی در تاریخ و ادب، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۵۷.
- ۹- طبری، محمد بن جریر: تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، «حوادث سال ششم هجری»، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳.
- ۱۰- آئینه وند، صادق: پژوهشهایی در تاریخ و ادب، ص ۵۴.
- ۱۱- مهدی، محسن: فلسفه تاریخ ابن خلدون، ترجمه مجید سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶.
- ۱۲- روزناتل، فرانتس: تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، بخش اول، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶، ص ۶۸.